

## ترجمه‌ی دیوان حافظ به زبان کردی

دکتر سید احمد پارسا

چکیده:

یکی از نادر سرایندگانی که آوازه‌ی سروده‌هایش در روزگار خود، مرزهای کشور را درنوردید و بنا به گفته‌ی خود، قند پارسی سخنش طوطیان هند را شکرشکن کرد و طنین آهنگ دل‌نشین شعرش سیه‌چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی را به رقص و پای کوبی واداشته، حافظ شیرازی (۷۹۲-۷۲۷ ه.ق) است. شهرت روز افزون غزلیات ایشان موجب پدید آمدن شرح‌ها و برگردان‌های بسیاری در میان ملل گوناگون گشته است. برگردان‌های آلمانی از «ژز نزویک شوانو»، واهل (۱۷۹۱)، بدنست (۱۸۷۷)، برگردان‌های انگلیسی از ویلیام فورس کلارک، هرمان بیکنل (۱۸۷۵)، گرتروود لوتین بل (۱۸۹۸) و امثال آنان نمونه‌هایی از ترجمه‌ی کامل یا بخشی از دیوان حافظ به این زبان‌ها به شمار می‌روند. پژوهش حاضر به بررسی ترجمه‌ی دیوان حافظ به زبان کردی می‌پردازد. این ترجمه به همت زنده‌یاد استاد عباس حقیقی شاعر توانمند کرد و دنباله‌ی ده غزل درخواستی مسئولان انتشارات صلاح‌الدین ایوبی جهت درج در کتابی تحت عنوان «حافظ» به سی زبان» می‌باشد. زیبایی و مهارت استاد در برگردان این غزل‌ها، ارادت و علاقه‌ی دیرینه‌ی ایشان به حافظ و درخواست ادب‌دوستان جهت ادامه‌ی کار،

مشوق ایشان در برگرداندن سروده‌های بیشتری از دیوان حافظ شد. حاصل آن کار، ترجمه‌ی ۱۰۰ غزل، ۹ رباعی و مثنوی ساقی‌نامه‌ی حافظ است که در کتابی به نام «شه و نم» (شبنم) گرد آمده و در سال ۱۳۷۰ به همت انتشارات صلاح‌الدین ایوبی در ارومیه به چاپ رسیده است. هدف مقاله‌ی حاضر معرفی این ترجمه می‌باشد.

### واژگان کلیدی:

- ۱- حافظ ۲- غزل ۳- ترجمه ۴- نقد و بررسی ۵- عباس حقیقی  
۶- زبان کردی

### ۱- مقدمه:

نام و آوازه‌ی برخی از شاعران و ادیبان مرزهای کشور را درنور دیده، مورد استقبال مردمان جوامع دیگر واقع شده است. این امر دلایل چندی دارد که در این جا مجال پرداختن به آن‌ها میسر نیست. یکی از این سراینده‌گان پر آوازه که در زمان حیاتش بنا به گفته‌ی خود، طوطیان [شاعران] هندی از قند سروده‌هایش شکرشکن شدند<sup>۱</sup> و حلاوت و طراوت سخنش سیه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی را به رقص و پای‌کوبی با آن واداشت<sup>۲</sup>، پیحافظ شیرازی (۷۹۲-۷۲۷ ه.ق) بود. شهرت روز افزون سروده‌های این شاعر شیرازی موجب علاقه‌مندی مردم دیگر کشورها به آن‌ها گردیده است. شرح و برگردان‌های فراوانی که به زبان‌های گوناگون فراهم آمده، مؤید این شیفتگی است. از میان برگردان‌هایی که به نظم و نثر بر دیوان او صورت گرفته، می‌توان به برگردان‌های آلمانی از «ژرنزویک شوانو»، برگردان انگلیسی به قلم «ویلبر فورس کلارک» به نثر، برگردان منظوم دیوان حافظ به انگلیسی از «هرمان بیکنل» (۱۸۷۵)، برگردان فرانسوی از خانم «گرتو دبل» (۱۸۹۷)، برگردان تاجیکی از خانم «کلثوم کلیم (وفا)» اشاره کرد. یکی از این برگردان‌ها که کمتر برای پارسی‌زبانان آشناست، برگردان غزلیات حافظ به زبان کردی است. هدف مقاله‌ی حاضر معرفی این

اثر است. در این راستا معرفی کوتاه استاد حقیقی و دلیل پرداختن به این برگردان به شیوه‌ی کتابخانه‌ای مورد بررسی واقع شده است.

## ۲- عباس حقیقی (۱۲۸۱-۱۳۶۵):

عباس حقیقی شاعر، ادیب و مترجم توانای کرد در سال ۱۲۸۱ ه. ش در روستای مرجان‌آباد از نواحی مهاباد متولد شد. چند سال قبل از جنگ جهانی اول خانواده‌ی ایشان به دنبال کشمکش‌های عشیره‌ای مجبور شدند به روستای مُرخَز در نواحی سقز کوچ کنند. حقیقی در آن جا نزد فردی روحانی به خواندن قرآن می‌پردازد. بعد از اتمام عم‌الجزء، کتاب‌هایی چون اسماعیل‌نامه، ناگهان‌نامه و جرم‌بخش را نزد ایشان می‌آموزد. با بالا گرفتن آتش جنگ جهانی اول، مدتی همراه خانواده‌اش آوازه‌ی سلیمانیه‌ی عراق می‌شود و درس و تعلیم نیز در این مدت تعطیل می‌گردد. بعد از بازگشت به وطن، گلستان، بوستان و کیمیای سعادت را نزد پدر خود می‌خواند. با از دست دادن پدر، خود به مطالعه‌ی دیوان‌های شعر کردی و فارسی می‌پردازد و همین امر ذوق شاعری را در چهارده سالگی در او بر می‌انگیزد. سپس به مدرسه‌ی علوم دینی می‌رود. ایشان در مدرسه‌ی علوم دینی روستای «اسکی بغداد» با شاعر فقید کرد «خاله مین برزنجی» و در سال ۱۲۷۰ در مدرسه‌ی علوم دینی «باغچه» با شاعر فقید «سید کامل امامی» هم‌درس می‌گردد و بنا به گفته‌ی خود، به جای صرف نحو، بیشتر وقت خود را صرف سرودن شعر می‌کردند. تشویق روحانی، عارف و دانای بنام حاج بابا شیخ عزم او را در ادامه‌ی شعر استوارتر می‌سازد. شرح این ماجرا از زبان حقیقی خالی از لطف نیست:

«روزی همراه سید کامل به خدمت حاج بابا شیخ (عارف و روحانی بلند پایه) مشرف شدم. روحانیون و طلاب زیادی در آن جا حضور داشتند. مرحوم حاج بابا شیخ رو به من کرد و فرمود: این دو بیت شعر عربی را که عایشه، ام‌المؤمنین، در وصف

حضرت رسول (ص) سروده، برای آزمون طبع شاعری به تو خواهم داد تا آن‌ها را ترجمه کنی. آن دو بیت عبارت بودند از:

لو سمعوا فی مصر اوصاف خده      لما بذلوا فی سوم یوسف من نقد  
لوامی زلیخا لو رثین جینه      لآثرن بالقطع القلوب علی الاید

من فی البداهه در همان مجلس آن‌ها را این گونه به فارسی برگرداندم که بسیار مورد قبول ایشان واقع گشت و تشویق‌ها کردند:

اگر اوصاف خدش مصریان آن دم شنیدندی

خریداران یوسف را به پولی کی خریدندی

رخش را طعنه‌گویان زلیخا ار بدیدندی

به جای دست‌های خویش دل‌ها بریدندی»

(۱۳۶۵، ص ۱۲)

حقیقی در سال ۱۳۱۳ با حقوق ماهیانه ۱۵ تومان در اداره‌ی دارایی مهاباد استخدام می‌شود، اما با ارسال سروده‌ای مبنی بر سختی و فشار کار به وزیر وقت موجب می‌شود حقوقش با ارسال حکمی از طرف وزیر به ماهی ۳۰ تومان ارتقاء یابد. این امر بر رییسش که در آن موقع ۲۰ تومان دریافت می‌کرد، بسیار گران می‌آید و با او سر ناسازگاری می‌گذارد که نتیجه‌ی آن انتقال حقیقی به بوکان بوده است. از حقیقی سه کتاب به نام‌های دیوان حقیقی ۱۳۶۵، شبنم ۱۳۷۰، رنگین‌کمان ۱۳۷۴ به چاپ رسیده است. ایشان در سال ۱۳۷۵ دارفانی را وداع گفت.

### ۳- حقیقی و حافظ:

حافظ در میان سراینندگان و ادیبان کُرد از جایگاه و پایگاه ویژه‌ای برخوردار است. یکی از مشتاقان ایشان زنده‌یاد استاد حقیقی بود. ایشان بنا به اظهار خود در مقدمه‌ی کتاب شبنم، از زمان کودکی بیش از هر دیوان شعری

دیگر با دیوان حافظ و سروده‌های نغز پر مغز ایشان محشور بوده است. جاذبه‌ی این سروده‌ها موجب شد بسیاری از این سروده‌ها را حفظ کند و گاه و بیگاه آن‌ها را زیر لب زمزمه کند. علاوه بر این‌ها در مناسبت‌های مختلف نیز به عنوان تفال به سراغ دیوانش می‌رفت. (۱۲۷۴، ص ۱)

علاقه‌ی استاد حقیقی به سروده‌های جذاب حافظ موجب شده به اشکال زیر از آن‌ها استفاده نماید:

### ۳-۱. ساختن ملمع‌های تضمینی:

شاعران کُرد زبان بر خلاف شاعران پارسی‌زبان علاوه بر زبان عربی با زبان‌های فارسی، ترکی و حتی با لهجه‌های دیگر زبان کردی نیز به ساختن سروده‌های ملمع می‌پردازند. در این میان ساختن ملمع‌های تضمینی با استفاده از شاعران به نام فارسی زبان رواج بیشتری دارد و از میان آن‌ها حافظ از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. حقیقی در دو غزل کردی با بهره‌گیری از سروده‌های حافظ دو ملمع زیبا آفریده است. در این غزل‌های ملمع، مصراع‌های دوم غزل در واقع مصراع‌های دوم دو غزل از حافظ می‌باشد. ملمع اول ایشان کردی و فارسی است که مصراع‌های فارسی آن مربوط به غزل زیر از حافظ می‌باشد:

«اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را

به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را»

ملمع دوم ایشان کردی و عربی است. حقیقی در این غزل مصراع‌های عربی غزل

ملمع زیر را از حافظ در سروده‌ی خود تضمین کرده است:

«از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه      انی رأیت دهرأ من هجرک القیامه»

تاریخ سرودن این اشعار ۱۲۲۴ هجری شمسی است و این امر دلیلی است بر پیوند

دیر پای علاقه‌ی درونی حقیقی به حافظ. در این جا برای روشن شدن بهتر موضوع

یکی از این غزل‌ها همراه با ترجمه و آوانویسی ذکر می‌گردد:

۱- «سوزه ی به یان بنیره بو یارم نه م په یامه  
انی رأیت دهرأ من هجرک القیامه»

Sozay Bayan Benera bo yarm am payama

یعنی: ای نسیم سحری این پیام را به یارم برسان ...

۲- «دل نیمتیحانی داوه سوتا به ناری عیشت

من جرب المجرّب حلت به الندامه»

Del imtihani dava , sota ba nari esqet

یعنی: دل آزمون خود را پس داده و به آتش عشقت سوخته شده

۳- «چاوم له ده ردی دوری ، چاو پر له نه شکم نه مما  
لیست دموع عینی هذا لنا علامه»

Cawem la dardi dury, caw per la askem amma

یعنی: عزیزم به سبب درد دوری چشمانم اشک آلود است ...

۴- «نوکی موژه ی به خوینم نوسی له لا په ره ی دل

فی بعدها عذاب فی قربها سلامه»

Nuki mozay ba xowenem nusi la la paray del

یعنی: نوک مزگاننش با خون من بر صفحه‌ی دل نگاشت ...

۵- «نه م بیستوه به عومرم عیشتی به بی نه دامه ت

والله ما رائینا حب بلا سلامه»

Nam bistowa ba omrem esqi ba be nadamat

یعنی: تا کنون نشنیده‌ام که عشقی بدون ندامت و پشیمانی باشد.

۶- «یارم له نیوه شه ودا روبه ندی روی وه لا دا

کالشمس فی ضحاهها تطلع من الغمامه»

Yarem la niwa sawda robany royy walada

یارم در نیم شب نقاب از رخ بر گرفت ... و حلقه لب ز باغچه‌ی لب و دهان  
 ۷- «وه ک حافظی حه قیقی تینوی قومی شه رابه حتی یذوق منه فی کأسها الکرامه»

Wak hazey haqiqi tinoy qome saraba

حقیقی نیز چون حافظ تشنه‌ی جرعه‌ای شراب است ... (۱۳۶۵، ص ۷۱)

۳-۲. ساختن مسمط‌های تضمینی با شعر حافظ:

ساختن مسمط‌های تضمینی در شعر کردی نیز همانند فارسی رایج است. حقیقی در دو مورد غزل‌هایی از حافظ را تضمین کرده است. بار اول غزل زیر از حافظ را با مطلع:

«سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت

آتشی بود در این خانه که کاشانه بسوخت»

در مسمطی مخمس به زبان فارسی تضمین کرده است که در این جا به یکی دو

بند آن اشاره می‌کنیم:

آتش عشق مرا سرخوش و مستانه بسوخت

شعله‌ی سوز درونم می و میخانه بسوخت

«سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت

آتشی بود در این خانه که کاشانه بسوخت»

... توبه کردم که بگیرم لب پیمانه به دست

ز کمانخانه‌ی ابروت یکی تیر بجست

گشت پرتاب و چنان بر هدف سینه نشست

«چون پیاله دلم از توبه که کردم بشکست

چون صراحی جگرم بی می و میخانه بسوخت» ... (۱۳۶۵، ص ۲۲۰)

بار دوم با استفاده از غزلی با مطلع:

«مژده‌ی وصل تو کو، کز سر جان برخیزم

طایر قدسم و از دام جهان برخیزم»

مسمط مخمس زیبایی دیگری ساخته است که در این جا به منظور جلوگیری از

اطاله‌ی کلام تنها به ذکر بند آخر آن بسنده می‌کنیم:

ماه روزه است و گه خیر و زکات و حسنات

ز تو بر من نظری، جان و دل از من به فدات

من و از جور تو فریاد برآرم هیهات

«خیز و بالا بنمای ای بت شیرین حرکات

که چو حافظ ز سر جان و جهان برخیزم»

(۱۳۷۳، ص ۲۷)

### ۳-۳. نقیضه‌سازی (Paradoy):

گاه شاعران با استفاده از وزن، بحر و گاه قافیه و ردیف از شعر یک شاعر به

نقیضه‌سازی (Paradoy) می‌پردازند. حقیقی تنها در یک مورد بسا استفاده از غزلی از

حافظ با مطلع:

«سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد

آن چه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد»

به سرودن شعری طنزآمیز به نام «محشر کبری» پرداخته و در آن وضعیت اسفناک

کارمندان را با زبانی طنزآمیز بیان کرده است. ابیات زیر نمونه‌ای از این اشعار است و

موضوع آن به زمان جنگ ایران و عراق و کمبود سوخت و دیگر مایحتاج برمی‌گردد:

کارمندی گله از ضیقت حالا می‌کرد

وز حقوق کم و از قیمت کالا می‌کرد



نادم از آمدن خویش به این دیر خراب  
زین ندامت گله از آدم و حوا می کرد

...

عزت نفس بنازم که برای زر و سیم  
گهر طبع نیاززد و مدارا می کرد  
کوپن خویش بر عامل نفتی بردم  
کاو به تهدید و تشر با همه دعوا می کرد  
گفتم این حالت جنگیت کی آموخت حکیم  
گفت آن روز که صدام غلظها می کرد  
(۱۳۷۴، ص ۲۵)

### ۳- ترجمه:

حقیقی در کتاب «رنگین کمان» تنها یک غزل حافظ را با مطلع زیر ترجمه کرده است:

«صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را  
که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را»  
اما کتاب «شه ونم» (شبنم) ایشان صرفاً به ترجمه‌ی اشعار حافظ اختصاص دارد. ایشان در این کتاب ۱۰۰ غزل، ۹ رباعی و مثنوی ساقی‌نامه را به کردی برگردانده است. انگیزه‌ی این کار بنا به اظهار ایشان در دیباچه‌ی کتاب، در آغاز، به درخواست انتشارات صلاح‌الدین ایوبی از ایشان برمی‌گردد. این انتشارات ظاهراً در پی انتشار کتابی تحت عنوان «حافظ به سی زبان» از ایشان درخواست می‌کند، ده غزل از حافظ را به زبان کردی برگرداند. برگردان توانمندانه و زیبای این ده غزل، اصرار و درخواست ادب‌دوستان و ادبیات‌شناسان ادامه‌ی این برگردان‌ها را به دنبال داشته است. این درخواست‌ها در کنار ارادت و علاقه‌ی دیرینه‌ی این برگرداننده‌ی شاعر، منجر به پذیرش و گردن نهادن به این درخواست‌ها می‌گردد. حاصل آن، کتابی با نام «شبنم»

است که در سال ۱۳۷۰ به همت انتشارات صلاح‌الدین ایوبی در ۳۰۰۰ نسخه در ارومیه به چاپ رسیده است.

#### ۴- نقد و بررسی ترجمه‌های کردی:

ترجمه‌ی استاد حقیقی از غزلیات حافظ در واقع گلچینی از آن غزلیات محسوب می‌شود و تنها در بردارنده‌ی ۱۰۰ غزل می‌باشد. مطلع این غزل‌ها عبارتند از:

۱- الا یا ایها الساقی ادر کأساً و ناولها

۲- اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را

۳- دل می‌رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را

۴- دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیر ما

۵- آن ترک پری‌چهره که دوش از بر ما رفت

۶- ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟

۷- المنه لله که در می‌کده باز است

۸- بلبل‌ی برگ گلی خوش‌رنگ در منقار داشت

۹- باغ مرا چه حاجت سرو و صنوبر است

۱۰- حسنت به اتفاق ملاححت جهان گرفت

۱۱- خم زلف تو دام کفر و دین است

۱۲- خمی که ابروی شوخ تو در کمان انداخت

۱۳- در دیر مغان آمد یارم قدحی در دست

۱۴- دل سرا پرده‌ی محبت اوست

۱۵- روزگاری است که سودای بتان دین من است

۱۶- روضه‌ی خلد برین خلوت درویشان است

۱۷- زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست

۱۸- شکفته گشت گل حمرا و گشت بلبل مست

- ۱۹- صحن بستان ذوق بخش و صحبت یاران خوش است
- ۲۰- صوفی از پرتو می راز نهانی دانست
- ۲۱- کنون که می دمد از بوستان نسیم بهشت
- ۲۲- گل در بر و می در کف و معشوق به کام است
- ۲۳- لعل سیراب به خون تشنه لب یار من است
- ۲۴- مدتی شد کآتش سودای او در جان ماست
- ۲۵- مطلب طاعت و پیمان و صلاح از من مست
- ۲۶- میر من خوش می روی کاندلر سر و پا میرمت
- ۲۷- سزد که از همه‌ی دلبران ستانی باج
- ۲۸- آن یار کزو منزل ما جای پری بود
- ۲۹- آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند
- ۳۰- آن که رخسار تو را رنگ گل و نسرين داد
- ۳۱- اگر به باده‌ی مشکین دلم کشد شاید
- ۳۲- بتی دارم که گرد گل و سنبل سایبان دارد
- ۳۳- ترسم که اشک در غم ما پرده در شود
- ۳۴- بود آیا که در میکده‌ها بگشایند؟
- ۳۵- بر سر آنم که گر ز دست بر آید
- ۳۶- پیرانه سرم عشق جوانی به سر افتاد
- ۳۷- پیش از اینت بیش از این اندیشه‌ی عشاق بود
- ۳۸- حافظ خلوت‌نشین دوش به میخانه شد
- ۳۹- دانی که چنگ و عود چه تقریر می کنند؟
- ۴۰- در نمازم خم ابروی تو با یاد آمد
- ۴۱- دوش در حلقه‌ی ما قصه‌ی گیسوی تو بود

- ۴۲- دل از من برد و روی از من نهان کرد
- ۴۳- دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند
- ۴۴- دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند
- ۴۵- سالها دل طلب جام جم از ما می کرد
- ۴۶- سحرم دولت بیدار به بالین آمد
- ۴۷- سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند
- ۴۸- عکس روی تو چو در آینه‌ی جام افتاد
- ۴۹- غلام نرگس مست تو تاجدارانند
- ۵۰- گر من از باغ تو یک میوه بچینم چه شود؟
- ۵۱- مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید
- ۵۲- نسبت رویت اگر با ماه و پروین کرده‌اند
- ۵۳- نفس باد صبا مشک‌فشان خواهد شد
- ۵۴- واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می کنند
- ۵۵- هر که شد محرم دل در حرم یار بماند
- ۵۶- یاد باد آن که سر کوی توام منزل بود
- ۵۷- یارم چو قدح به دست گیرد
- ۵۸- یاری اندر کس نمی بینیم یاران را چه شد؟
- ۵۹- الا ای طوطی گویای اسرار
- ۶۰- نصیحتی کنمت بشنو و بهانه مگیر
- ۶۱- یوسف گم‌گشته باز آید به کنعان غم مخور
- ۶۲- خیز و در کاسه‌ی زر آب طربناک انداز
- ۶۳- دلا رفیق سفر بخت نیکخواهت بس
- ۶۴- چو بر شکست صبا زلف عنبر افشانش

- ۶۵- خوشا شیراز و وضع بی‌مثالش  
 ۶۶- شراب تلخ می‌خواهم که مرد افکن بود زورش  
 ۶۷- فکر بلبل همه آن است که گل شد یارش  
 ۶۸- ای رخت چون خلد و لعلت سلسبیل  
 ۶۹- اگر برخیزد از دستم که با دلدار بنشینم  
 ۷۰- این چه شوری است که در دور قمر می‌بینم  
 ۷۱- به مژگان سیه کردی هزاران رخنه در دینم  
 ۷۲- به تیغم گر کشد دستش بگیرم  
 ۷۳- بی تو ای سرو روان با گل و گلشن چه کنم؟  
 ۷۴- بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم  
 ۷۵- حاشا که من به موسم گل ترک می‌کنم  
 ۷۶- حجاب چهره‌ی جان می‌شود غبار تنم  
 ۷۷- خرم آن روز کزین منزل ویران بروم  
 ۷۸- در خرابات مغان نور خدا می‌بینم  
 ۷۹- دوستان وقت گل آن به که به عشرت کوشیم  
 ۸۰- سالها پیروی مذهب رندان کردم  
 ۸۱- فاش می‌گویم و از گفته‌ی خود دل شادم  
 ۸۲- مزن بر دل ز نوک غمزه تیرم  
 ۸۳- من دوستدار روی خوش و موی دلکشم  
 ۸۴- من نه آن رندم که ترک شاهد و ساغر کنم  
 ۸۵- نماز شام غریبان چو گریه آغازم  
 ۸۶- ای خسرو خوبان نظری سوی گدا کن  
 ۸۷- گر شوم خاک رهش دامن بیفشانند ز من

- ۸۸- دانی که چیست دولت دیدار یار دیدن
- ۸۹- ز در درآ و شبستان ما منور کن
- ۹۰- تاب بنفشه می دهد طره‌ی مشکسای تو
- ۹۱- سحرگاهان که مخمور شبانه
- ۹۲- ای که در کشتن ما هیچ مدارا نکنی
- ۹۳- به صوت بلبل و قمری اگر ننوشی می
- ۹۴- در همه دیر مغان نیست چو من شیدایی
- ۹۵- زکوی یار می آید نسیم باد نوروزی
- ۹۶- ساقی بیا که شد قدح باده پر ز می
- ۹۷- سحر با باد می گفتم حدیث آرزومندی
- ۹۸- سینه مالامال درد است ای دریغا مرهمی
- ۹۹- لبش می بوسم و در می کشم می
- ۱۰۰- نوبهار است، در آن کوش که خرم باشی

متأسفانه در مقدمه‌ی کتاب هیچ اشاره‌ای به چگونگی برگزیدن این غزلیات به چشم نمی‌خورد، به همین دلیل به نظر می‌رسد، گزینش غزلیات مورد نظر ایشان کاملاً ذوقی باشد. این غزلیات در کتابی به نام «شه و نم» (شبنم) در ۱۵۴ صفحه در قطع رحلی با جلد شمیم، به همت مرکز انتشارات فرهنگ و ادب کردی (انتشارات صلاح‌الدین ایوبی) در سال ۱۳۷۰ با تیراژ ۳۰۰۰ جلد به چاپ رسید. این کتاب شامل یک مقدمه‌ی کوتاه دو صفحه‌ای و بحثی ۲۶ صفحه‌ای درباره‌ی زندگی و شعر حافظ می‌باشد.

حقیقی در برگردان غزلیات حافظ به زبان کردی بسیار متعهد است. این تعهد را در وزن اشعار و ترجمه‌ی غزلیات به خوبی می‌توان مشاهده کرد. این پای‌بندی گاه در

برخی از موارد ترجمه را تا حد یک ترجمه‌ی لفظ به لفظ پایین آورده است. اما در برخی از موارد نیز به خوبی از عهده‌ی کار برآمده و توانسته مفهوم مورد نظر را به خوبی بیان نماید. شاهکارهای شعری کمتر قابل ترجمه‌اند و شعر حافظ نیز از این نظر مستثنی نیست و همین امر ضعف کار استاد حقیقی را اندکی توجیه می‌کند. علاوه بر آن نکاتی ادبی چون ایهام یا برخی ظرافت‌های شاعرانه‌ی حافظ تنها در زبان اصلی از زیبایی خاص خود برخوردارند و قابل ترجمه به زبان‌های دیگر نیستند. به همین دلیل در برگردان سروده‌های حافظ بر حقیقی و دیگر مترجمان زبان‌های دیگر از این نظر حرجی نیست.

#### ۵- نتیجه‌گیری:

سرایندگان و ادیبان بزرگ را نمی‌توان محصور به زمان و مکان خاصی دانست. آنان متعلق به همه‌ی قرون و اعصار و همه‌ی سرزمین‌های جهان‌اند. دانه، حافظ، گوته، شکسپیر و امثال آنان متعلق به همه‌ی بشریت‌اند. برگردان آثار این بزرگان به اغلب زبان‌های زنده‌ی دنیا توجیه‌کننده‌ی این مسأله است. حافظ شیرازی نیز یکی از این افراد است که تا کنون آثارش به بیشتر زبان‌های زنده‌ی دنیا از جمله زبان کردی ترجمه شده است. ترجمه‌ی کردی این اثر به همت زنده یاد استاد عباس حقیقی (۱۳۷۵-۱۳۸۱ ه.ش) شاعر توانمند کُرد صورت گرفته و ۱۰۰ غزل، ۹ رباعی و مثنوی ساقی‌نامه را در بر می‌گیرد. حقیقی علاوه بر این ترجمه‌ها، با اقتباس از حافظ یا تضمین سروده‌های او در مسمط‌های خود طبع آزمایی کرده است. ایشان در ترجمه‌ی غزلیات حافظ خود را بسیار متعهد می‌داند. این تعهد علاوه بر حفظ و رعایت وزن و بحر سروده‌های حافظ، گاه به شکل یک ترجمه‌ی لفظ به لفظ در می‌آید. اما در برخی از موارد نیز بسیار به خوبی از عهده‌ی کار برآمده است. به نظر می‌رسد هر جا ظرافت‌های هنری حافظ - که برخی واقعاً غیر قابل ترجمه‌اند- بیشتر بوده، ترجمه‌ها اندکی ضعیف‌تر به نظر می‌رسند.

## پانویس:

- ۱- اشاره به این بیت حافظ است:  
«شکرشکن شوند همه طوطیان هند  
زین قند پارسی که به بنگاله می رود»
- ۲- اشاره به این بیت حافظ است:  
«به شعر حافظ شیراز می رقصند و می نازند

سینه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی»

## کتاب نامه:

- ۱- حافظ شیرازی، شمس الدین محمد. (۱۳۷۰). *دیوان غزلیات*. به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: صفی علیشاه.
- ۲- حافظ شیرازی، شمس الدین محمد. (۱۳۷۰). *دیوان حافظ*. تصحیح حسین الهی (قمشه ای)، تهران: سروش.
- ۳- حقیقی، عباس (۱۳۶۵). *دیوان حقیقی*. ارومیه، انتشارات صلاح الدین ایوبی.
- ۴- ... (۱۳۷۰) *شبنم* (ترجمه اشعار حافظ). ارومیه، انتشارات صلاح الدین ایوبی.
- ۵- ... (۱۳۷۴). *رنگین کمان*. ارومیه، انتشارات صلاح الدین ایوبی.
- ۶- حیرت سجادی، سید عبدالحمید (۱۳۷۵). *شاعران کرد پارسی گوی*، تهران: نشر احسان.